

نامهٔ تو (مانهوا)

چو هیون آه

مترجم: زینب فارغان



نامهٔ تو (مانهوا)

..... نویسنده: چو هیون آه • مترجم: زینب فارغیان
..... مدیرگروه ترجمه: اکرم شکرزاده • ویراستار: سمیه شکرزاده
..... ناشر: نگاه آشنا • طراحی جلد: مجید غلامحسینی
..... صفحه آرا: زیبا کتاب • تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
..... شمارگان: ۵۰۰ نسخه • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۲۰-۲

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و هرگونه خرید و فروش بامترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سیرشناسه: چو هیون آه. □ hyun-Ah.Cho □ عنوان و نام پدیدآور: نامهٔ تو / چو هیون آه؛ ترجمه زینب فارغیان؛
ویراستار سمیه شکرزاده. □ مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۲ □ مشخصات ظاهری: ج. مصور؛ ۱۴×۲۱ اس م □
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۲۰-۲ □ یادداشت: عنوان اصلی: Yoen's Letters. □ مندرجات: مانهوا □
موضوع: داستان های کره جنوبی. □ شناسه افزوده: فارغیان، زینب، مترجم □ رده بندی کنگره: PN۶۷۹۰ □

رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵۹۵۲ [ج] □ شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۹۶۵۸ □

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴ ① ۰۲۵-۳۲۹۲۴۵۸۳



فقط یه روز دیگه بود...



درد می‌گیره؟

دارم ازت
می‌پرسم درد
می‌کنه یا نه!

بذار مشقات
رو ببینم.



نمی‌فهمم چرا
جواب سؤال ۱۵،
«۲» می‌شه.

گری؟ جوابم رو
بده!

هی بچه‌ها!
زنگ بعد معلم
نمی‌آد...

بس
کن...



شنیدم کلاس بغلی
دیروز موقع زنگ مطالعه
بعد از ظهر، یه پیتزای
گنده سفارش دادن.

حسودی‌م شد. امروز
ناهار چی داریم؟

چرا مدرسه اومدن رو
تموم نمی‌کنی؟

باید پات رو
بشکنم تا دیگه
نیای مدرسه؟



تمومش کن.

... تا وقتی که تصمیم گرفتم
جلوشون وایسم.

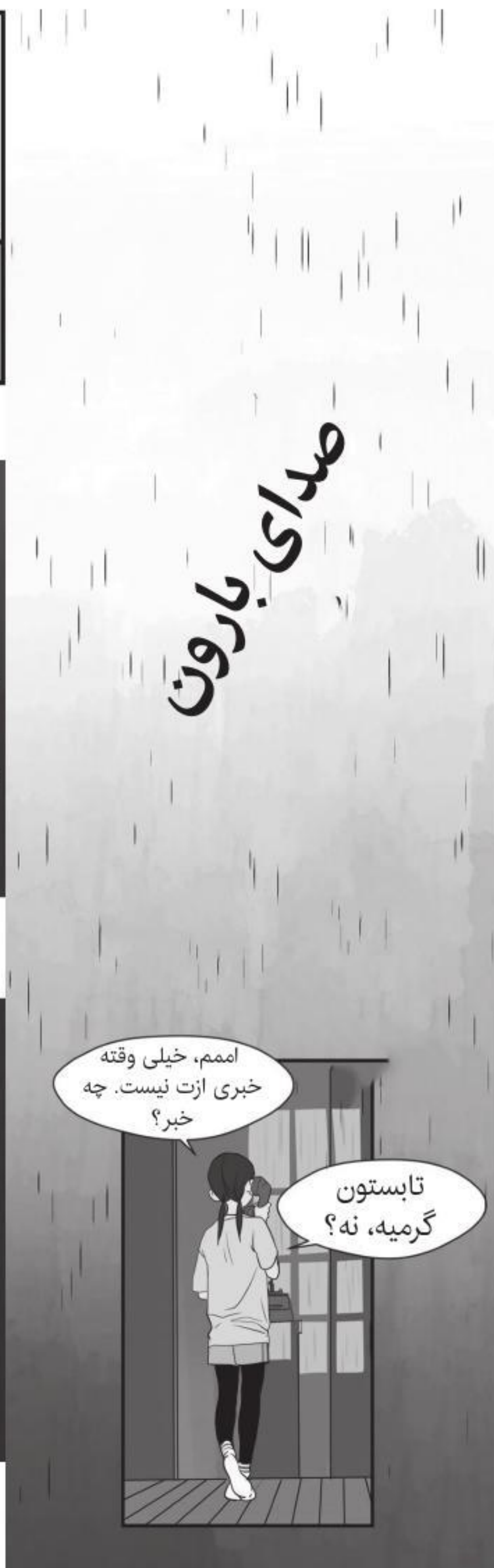




فقط دو روز طول کشید تا من به
قربانی جدیدشون تبدیل بشم.

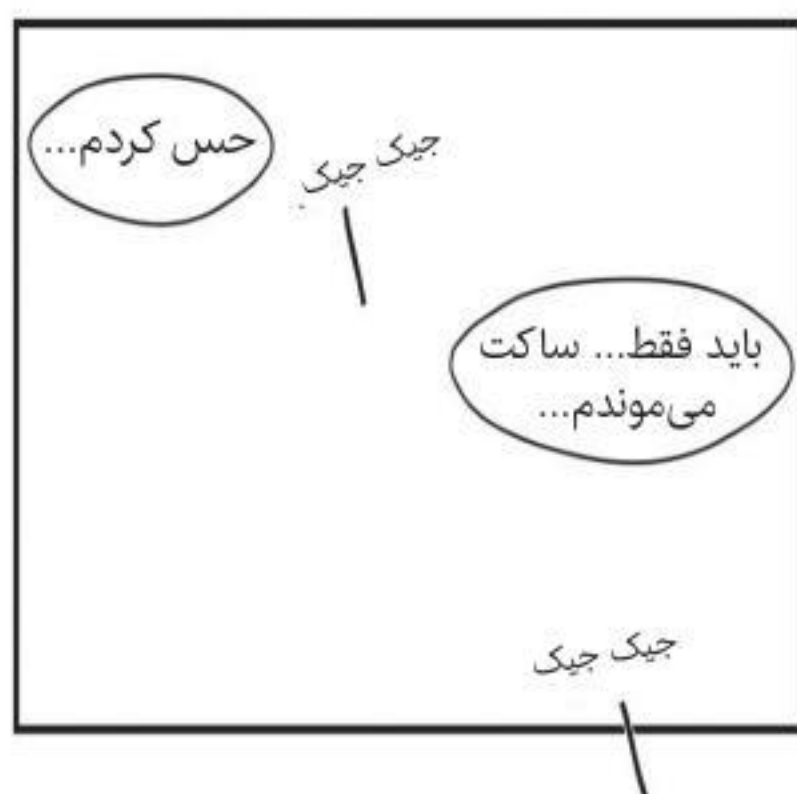














من تصمیم گرفتم
برگردم به خونه
پدری م.

همه این مدت خونه
مادر بزرگم می‌موندم که
بتونم راحت‌تر به مدرسه
رفت و آمد کنم.

چه خبر؟

है.

این جایه روستا وسط کوهستانه،
به همین خاطر شاید تماس باهام
سخت باشه.

به هر حال من دارم
این نامه رو بهت
می‌فرستم، چون آدرس
و شماره تلفنم عوض
شده.

آدرس...

اتوبوس داره راه
می افته!

صدای موتور

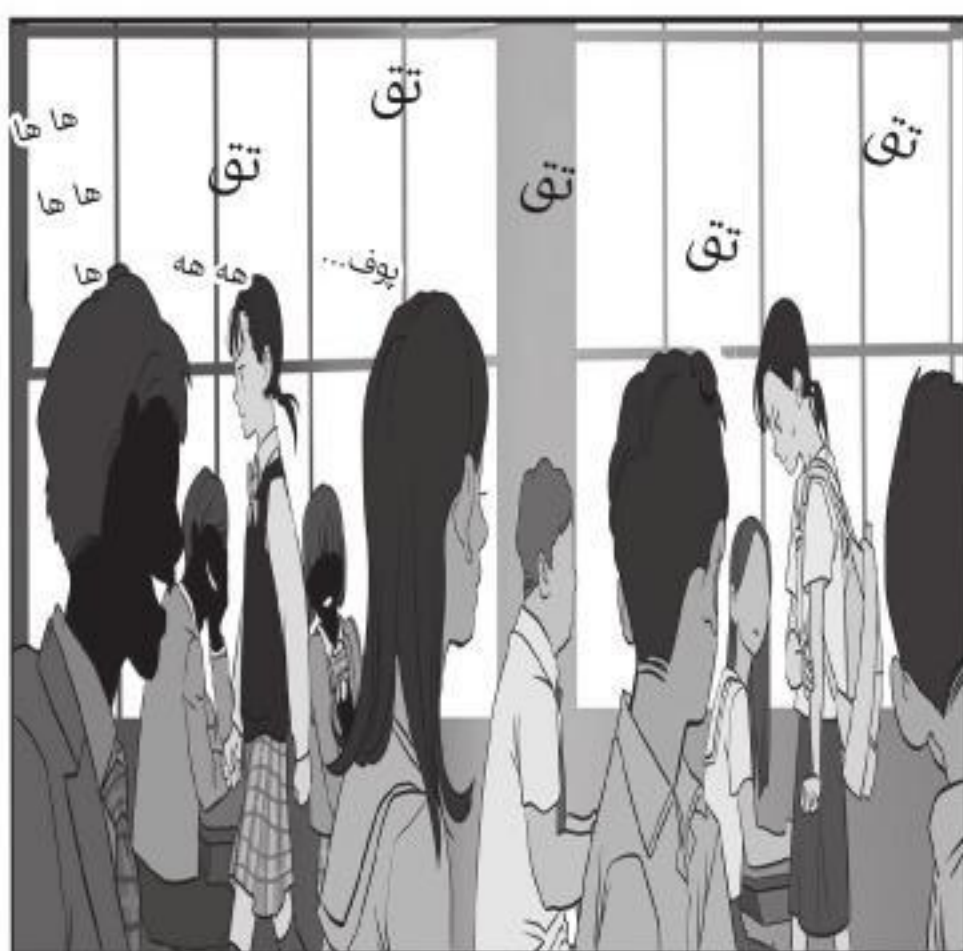
.... امیدوارم از این به بعد
همه‌چی تو مدرسه خوب
پیش بره.

نامه تو

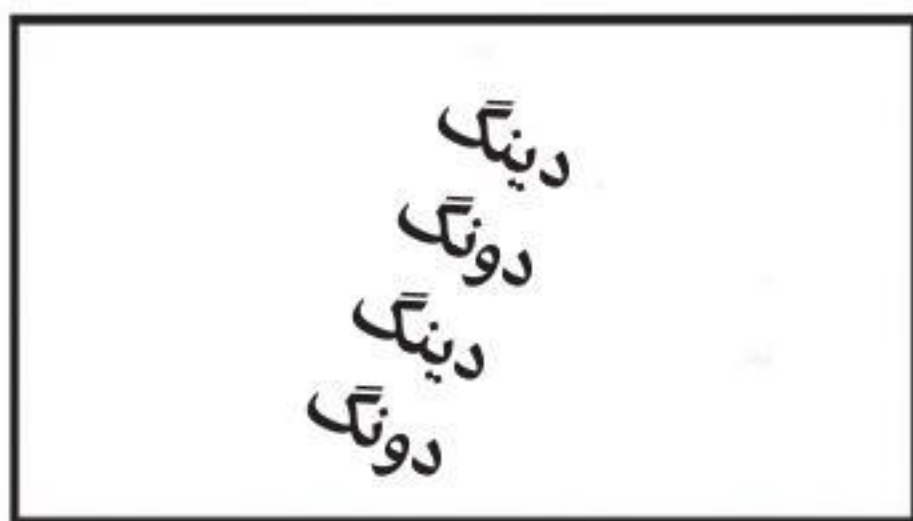








خب پس
درسمون رو ادامه
می‌دیم. صفحه ۲۱
رو باز کنید...



آممم...



نه، راستش رو بخواید...





خیلی خب،
پس بعداً
می‌بینمت!

اون هنوزم تنهاست.

